تحرکات مشکوک زیرپوست جامعه سنتی

حکم طلاق برای آلیس در سرزمین عجایب

طلاق امری مردانه است یا زنانه؟ متعلق به سنت است یا مدرنیزم؟ مخصوص طبقه متوسط است یا بالا؟! اینها سوالاتی است که بعضا بر پایه مفروضاتی به آنها پاسخ‌های از پیش تعیین شده‌ای تعلق می‌گیرد. اما قاعده پاسخ‌ها این روزها متفاوت شده است. گویی طلاق هیچ قاعده‌ای بر نمی‌تابد. مرضی است مسری در هر کوی و برزن و اتفاقا طلاق در جاهایی که فکرش را نمی‌کردیم بیشتر است.

به‌عنوان مثال باز هم استان خراسان رضوی همچنان جایگاه اول طلاق را در کشور به خود اختصاص داده است. سیدحسن نیری، مدیرکل ثبت احوال خراسان رضوی با بیان این که خراسان رضوی رتبه اول طلاق را در کشور دارد، گفته « در ۹ ماهه نخست‌سال جاری، ۱۳هزار و ۷۲۵ طلاق در این استان به ثبت رسیده که در مقایسه با مدت مشابه در سال ۹۲ که ۱۱هزار و ۵۰۴ واقعه طلاق ثبت شده بود، شاهد رشد ۱۹/۳درصدی طلاق بوده‌ایم».

گویا بر نظریاتی که عرف تا پیش از این باور داشت باید خط بطلان کشید. براساس نگاه حاکم در جامعه، طبقه متوسط و سنتی، بافت‌های متاثر از فضاهای غیرمدرن و استان‌های دور از پایتخت، نظام خانواده را بیشتر حفظ می‌کردند و نشانه آن آمار کمتر طلاق در بین آنها بود، اما با ارایه این آمار دیگر این نظریات یک شوخی است. برخی شهرها و استان‌های سنتی اینک در طلاق از تهران جلوترند! حالا اما، این فرض که بالارفتن آمار طلاق میان طبقه سنتی و متوسط ممکن است حاصل ناآشنایی با مهارت‌های زندگی امروز، مشکلات اقتصادی، مسائل جنسی، تفاوت‌های فرهنگی - تربیتی و... باشد، جدی‌تر انگاشته می‌شود. زیر پوست جامعه سنتی، تحرکاتی وجود دارد که باید دیده شود! گویا باید اطلاعات جوامع کمتر سنتی‌تر ایران که اینک در آمار طلاق عقب افتاده‌اند را در اختیار جوامع سنتی و متوسط قرار داد. فقر آگاهی دیگر موجب بقای خانواده نیست.

در ایران تاکنون براساس یافته‌های یک تحقیق ملی ۳۶ دلیل برای جدایی زن و شوهرها از هم ذکر شده؛ اعتیاد به موادمخدر، دخالت اطرافیان، کتک‌کاری، تنفر و بی‌علاقگی، سوءظن، درآمد ناکافی، اختلالات روانی، خشونت روانی، ازدواج‌های تحمیلی، مشکلات جنسی، عدم تمکین، بیکاری همسر، اختلافات فرهنگی، ازدواج مجدد زوج، ارتباطات نامشروع همسر و تفاوت سنی، مهم‌ترین علت‌های طلاق در ایران هستند. کاظم فروتن، رئیس کنگره خانواده و سلامت جنسی ایران، با اشاره به این که نتیجه بررسی پرونده‌های دادگاه خانواده نشان می‌دهد که حدود ۵۰درصد طلاق‌ها در ایران، ریشه در مسائل و مشکلات جنسی دارند، می‌گوید: «بر اساس آمارهای موجود، درحال حاضر از هر ۴ طلاق، ۲ مورد آن به خاطر مشکلات جنسی است.»

این دلایل باید مورد بررسی قرار گرفته و درخصوص آنها تدابیری اندیشیده شود. بی‌تدبیری ما را به مرز سقوط خانواده‌ها پیش خواهد برد. اگر برای نمونه به سراغ تعداد پرونده‌های موجود طلاق برویم عمق فاجعه بیشتر رخ نمایی می‌کند، تابستان امسال بود که مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری از وجود ۱۴میلیون پرونده طلاق در دادگاه‌های ایران خبر داد. پورمحمدی گفت: «آمار ۲۰درصدی طلاق و ۱۴میلیون فقره پرونده طلاق در مراجع قضایی برازنده یک نظام اسلامی نیست.»

این حجم از مطالبات ناکام زناشویی حاکی از آن است که دیگر نشانه اتهام متوجه زن یا شوهر نیست. انسان و نیازهای انسانی و مایحتاج اولیه انسانی عامل پیگیرکننده طلاق‌هاست. فریبا حاج‌علی، رئیس کارگروه پیشگیری از طلاق و آسیب‌های تحکیم و تعالی خانواده قوه‌قضائیه می‌گوید:» بر اساس آمار متقاضیان طلاق، ۴۸درصد مردان، ۲۳درصد زنان و ۲۹درصد توافقی است.» ما با انسان‌هایی مواجه شده‌ایم که از فقر اطلاعات زناشویی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و فقر ارتباط با گروه‌های دیگر اجتماعی رنج می‌برند و به خودزنی می‌پردازند. طلاق این روزها خودزنی نسل‌هایی شده است که ناکام از پیشرفت، در سر جای خود درجا می‌زنند. زوج‌های جوان همچون آلیس شده‌اند در سرزمین عجایب. هر چه می‌دوند می‌بینند در همان جای قبلی‌اند و اگر ندوند، فرو می‌روند و این آغاز ویرانی است...

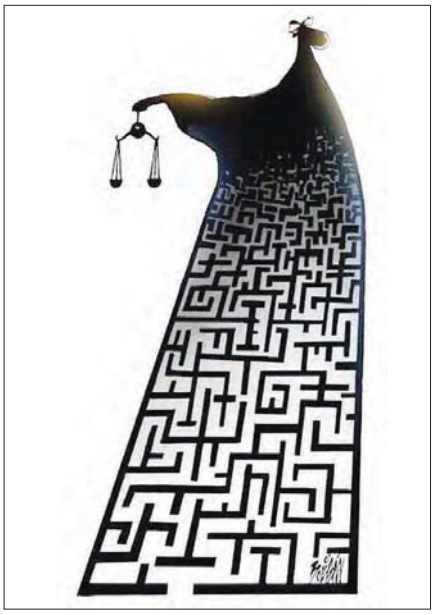

افغان‌ها از آن پرده برداشتند

ماجرای تخفیف در تحصیلات رایگان ما

طبق اصل ۳۰ قانون اساسی کشور، دولت موظف است که برای همه ایرانیان از آغاز دوره دبستان تا پایان دوره دبیرستان امکان تحصیل رایگان را فراهم کند.

تا اینجای ماجرا این که این قانون اجرا می‌شود یا نمی‌شود، اشکالی نداشت و کسی پرسشی را مطرح نمی‌کرد. اما از دوازدهم مرداد که گفته شد با پیگیری‌های نهاد ریاست جمهوری، وزارت آموزش و پرورش در سال جدید تحصیلی از دانش‌آموزان اتباع خارجی مقیم ایران، وجهی بابت ثبت‌نام در مدارس اخذ نمی‌شود، ماجرا یک چیز دیگر شد. در بخشنامه‌ای که از سوی قائم‌مقام وزیر آموزش و پرورش در امور بین‌الملل صادر شد، تأکید شده بود که با توجه به نامه دفتر ریاست‌جمهوری در مورد شهریه دانش‌آموزان اتباع خارجی و ضرورت بررسی بیشتر آن، فعلا از دریافت هرگونه وجهی از دانش‌آموزان اتباع خارجی بابت ثبت‌نام در مدارس خودداری شود...

این ماجرا هفته گذشته با انتشار گزارش‌هایی درخصوص دریافت شهریه اجباری از دانش‌آموزان افغانی و افزایش ۲ برابری آن نسبت به شهریه‌ای که در سال گذشته می‌پرداخته‌اند، رنگ و لعاب دیگری گرفت و انگشت‌اتهام مدافعان تحصیل رایگان اتباع بیگانه بار دیگر آموزش و پرورش را نشانه رفت. در پاسخ به این مسأله نوش‌آبادی، معاون مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور با اشاره به هزینه‌های تحصیل دانش‌آموزان ایرانی گفت: با احتساب هزینه‌های تحصیلی هر دانش‌آموز ایرانی مشخص می‌شود که اولیای دانش‌آموزان اتباع افغانستان برای تسهیل در امر آموزش کودکان از تخفیف‌های متفاوتی برخوردار و حتی ۱۱ گروه از این خانواده‌ها از پرداخت هزینه اعلام شده هم معاف هستند.

حال سؤال این است: اگر طبق قانون اساسی تحصیل رایگان است، ماجرای تخفیف‌های ۷۶ تا ۹۲درصدی نسبت به اولیای ایرانی یعنی چه؟ می‌شود دقیقا گفته شود که اولیای ایرانی برای تحصیل رایگان جفتر باید بپردازند که افغانی‌ها نسبت به آن تخفیف می‌گیرند؟ آیا

این همان حوزه اختیاری است که تخفیف دارد؟

سال پیش همین روزها وزیر آموزش‌وپرورش با بیان این‌که سالانه به‌طور میانگین یک‌میلیون و ۲۰۰هزار تومان برای هر دانش‌آموز هزینه می‌شود، تحصیل در کشور را رایگان دانسته بود. وزیر آموزش‌وپرورش درخصوص مبالغی که مدارس دولتی از والدین دانش‌آموزان تحت عنوان کمک‌های مردمی دریافت می‌کنند، گفته بود: کمک‌هایی که از مردم برای کیفیت‌بخشی به کار دریافت می‌شود، در مقابل هزینه‌های مدارس رقمی نیست.

این درحالی بود که فرشته حشمتیان، رئیس سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی اعلام کرده بود که سال ۹۱ اولیای دانش‌آموزان ۵۸میلیارد تومان به مدارس کمک کردند. اگرچه به گفته مسئولان آموزش و پرورش، حدود ۵ درصد از مدارس کمک‌های مردمی به مدارس اختیاری است. اما برخی مدیران به‌دلیل تأخیر در تزریق سرانه دانش‌آموزی مجبور به جذب کمک به صورت غیراختیاری می‌شوند و دست مدارس دولتی به‌سوی اولیای دانش‌آموزان دراز است و توقع کمک‌های مردمی به مدارس به‌حدی رسیده که والدین را از جلسات اولیا و مربیان فراری می‌دهد.

جالب این است که بدانید طبق برنامه ۵ ساله تا پایان سال ۱۳۹۳ (امسال) باید بیسوادی در گروه سنی زیر ۵۰سال در مناطق مختلف کشور ریشه‌کن شود اما هر ساله شاهد افزایش شمار زیاد کودکانی هستیم که از تحصیل بازمی‌مانند. محمد دیه‌مور، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به این پرسش که «تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل چند نفر است؟»، اظهار داشت که در فاز نخست تحقیقاتشان رقم ۷۵هزار نفر قابل ارایه است. سال گذشته نزدیک به ۱۶۰هزار دانش‌آموز از تحصیل بازمانده بودند. علاوه‌بر این آمارهای سال تحصیلی ۹۳ - ۹۲ نشان می‌دهد ۱/۵درصد از دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم متوسطه اول و ۵/۶درصد از دانش‌آموزان متوسطه دوم در این مدت ترک تحصیل کرده‌اند. آمارهای معاونت متوسطه آموزش و پرورش نشان می‌دهد در این سال تحصیلی در کل کشور ۲میلیون و ۱۱۲هزار و ۸۷۵ دانش‌آموز در ۲ پایه دوم و سوم متوسطه اول، وجود داشت که درنهایت ۳۲هزار و ۸۱ نفر از آنها تحصیل را رها کردند. همچنین آمارهای مشابه در دوره متوسطه دوم نیز گویای این است که در سال تحصیلی ۹۳ - ۹۲، ۶/۳درصد از دانش‌آموزان یعنی بیش از ۱۱۰هزار نفر در این دوره درس را رها کردند که به معنی ترک تحصیل نزدیک به ۶ نفر در ازای هر یکصد نفر است.

قسمت عمده ترک تحصیل آنان متوجه مشکلات اقتصادی و فقر است. اگر اکنون مسئولان برای تارکان تحصیل هم تخفیفی نسبت به آموزش رایگان قایل می‌شدند! آموزش و پرورش، کمک‌های مردمی به مدارس اختیاری است. اما برخی مدیران به‌دلیل تأخیر در تزریق سرانه دانش‌آموزی مجبور به جذب کمک به صورت غیراختیاری می‌شوند و دست مدارس دولتی به‌سوی اولیای دانش‌آموزان دراز است و توقع کمک‌های مردمی به مدارس به‌حدی رسیده که والدین را از جلسات اولیا و مربیان فراری می‌دهد.

جالب این است که بدانید طبق برنامه ۵ ساله تا پایان سال ۱۳۹۳ (امسال) باید بیسوادی در گروه سنی زیر ۵۰سال در مناطق مختلف کشور ریشه‌کن شود اما هر ساله شاهد افزایش شمار زیاد کودکانی هستیم که از تحصیل بازمی‌مانند. محمد دیه‌مور، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به این پرسش که «تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل چند نفر است؟»، اظهار داشت که در فاز نخست تحقیقاتشان رقم ۷۵هزار نفر قابل ارایه است. سال گذشته نزدیک به ۱۶۰هزار دانش‌آموز از تحصیل بازمانده بودند. علاوه‌بر این آمارهای سال تحصیلی ۹۳ - ۹۲ نشان می‌دهد ۱/۵درصد از دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم متوسطه اول و ۵/۶درصد از دانش‌آموزان متوسطه دوم در این مدت ترک تحصیل کرده‌اند. آمارهای معاونت متوسطه آموزش و پرورش نشان می‌دهد در این سال تحصیلی در کل کشور ۲میلیون و ۱۱۲هزار و ۸۷۵ دانش‌آموز در ۲ پایه دوم و سوم متوسطه اول، وجود داشت که درنهایت ۳۲هزار و ۸۱ نفر از آنها تحصیل را رها کردند. همچنین آمارهای مشابه در دوره متوسطه دوم نیز گویای این است که در سال تحصیلی ۹۳ - ۹۲، ۶/۳درصد از دانش‌آموزان یعنی بیش از ۱۱۰هزار نفر در این دوره درس را رها کردند که به معنی ترک تحصیل نزدیک به ۶ نفر در ازای هر یکصد نفر است.

قسمت عمده ترک تحصیل آنان متوجه مشکلات اقتصادی و فقر است. اگر اکنون مسئولان برای تارکان تحصیل هم تخفیفی نسبت به آموزش رایگان قایل می‌شدند!

نشتی

جلوگیری از تردد آقایان در واگن بانوان فرهنگی شد

سبک زندگی به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، خانواده، گروه یا جامعه است. این اصطلاح نخستین‌بار توسط آلفرد آدلر، روانشناس اتریشی استفاده شد. سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد. موسیقی پاشایی، تلویزیون ملی و آگهی‌های شهرداری، همگی تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند و در ایران حتی نوع سوار شدن به مترو بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگی‌شان را ازادانه انتخاب کنند. در بیشتر مواقع مجموعه عناصر سبک زندگی در یک جا جمع می‌شوند و افراد در یک سبک زندگی مشترک می‌شوند. به نوعی گروه‌های اجتماعی اغلب مالک یک نوع سبک زندگی شده و یک سبک خاص را تشکیل می‌دهند. مانند سبک کارمندی، سبک شمال شهری یا سبک بی‌خودرو مترو سوار و... سبکی شدن زندگی با شکل‌گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیک دارد. مثلا می‌توان شناخت لازم از افراد جامعه را از سبک زندگی افراد آن جامعه به‌دست آورد. در مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی می‌توان به سه سطح مختلف و در عین حال مرتبط اشاره کرد که کاملا با سبک زندگی در ارتباط هستند: سطح ساختاری، سطح موقعیتی و سطح فردی.

مثلا سبک زندگی زنان دستفروش در مترو موضوعی است که در فیلم مستند «زنان دستفروش مترو» بهاره بهارفر مورد توجه قرار می‌گیرد. در این فیلم مستند دلایل دستفروشی زنان در مترو از زبان خودشان؛ اعتیاد همسر، فوت همسر، سرپرستی فرزندان، نامناسب بودن فضای دستفروشی در خیابان و طلاق عنوان می‌شود. ترس از ماموران مترو و روایت رفتار ناپسند آنها با دستفروش‌ها و روایت برخورد تحقیرآمیز مسافران مترو نیز در این مستند مورد بررسی قرار می‌گیرد. اینها همه قسمتی‌هایی از زوایای آشکاری هستند که سبک زندگی زنان را می‌سازند. تفکیک جنسیتی موضوع دیگری است که به سبک زندگی در مترو مرتبط است. به اعتقاد مدافعان این طرح؛ مترو از زمان آغاز به کارش در تهران، به چیزی به نام تفکیک جنسیتی معتقد نبود و این از نقاط منفی مدیریت مسئولان وقت مترو بود که با وجود دار ابودن ساختار مناسب در هر ایستگاه - دو ورودی و دو خروجی، الگوی مناسب اتوبوس‌های شرکت واحد - بانوان در قسمت انتهایی و آقایان در قسمت جلویی - را در مورد مترو به‌کار نگرفتند. آنها می‌گویند: همین قضیه به ظاهر کوچک، زمینه را برای ترویج انواع ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی مناسب کرده بود. اختلاط و ازدحام درون واگن‌ها که به سهولت قابل پیش‌بینی است، نتیجه‌ای جز از بین رفتن قبح «اختلاط مرد و زن در یک مکان فشرده» را نداشته است. اما حالا با جدا شدن واگن خواهران، سبک زندگی در مسیر درست آن اعمال می‌شود. هر چند گاهی آقایان وارد این واگن‌ها می‌شوند. این که بانوان در واگن آقایان وارد شوند محل تأمل نیست، اما برعکس آن قدری تأمل‌برانگیز است.

برای این امر، مترو می‌خواهد فرهنگ‌سازی کند. محمد صائبی، معاون فرهنگی و اجتماعی شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه، گفته است که معاونت فرهنگی اجتماعی شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه به مناسبت فرارسیدن ماه ربیع‌الاول اقدام به برگزاری ویژه‌برنامه‌هایی در ۳ محور آداب حیاء و عفاف، مهربانی و بخشندگی خدا و اقداماتی برای فرهنگ‌سازی در زمینه جلوگیری از تردد آقایان در واگن بانوان کرده است. وی به فضاسازی محیطی ایستگاه‌ها و واگن‌های مترو اشاره کرد و افزود: اجرای تئاتر پنهان در واگن‌ها با موضوع سبک زندگی، اجرای سرود کودکان با موضوع ارتقاء فرهنگ استفاده از مترو و اجرای تئاتر محیطی در ایستگاه‌ها با موضوع آموزش‌های شهروندی از دیگر برنامه‌های معاونت فرهنگی در این ایام است. همچنین پانتومیم با موضوع سبک زندگی و اخلاق شهروندی هم در ایستگاه‌های منتخب اجرا می‌شود.

باید دید این اقدام تا چه حد به رسیدن ما به سبک زندگی موردنظر مدد می‌رساند. کاش بعدها گفته شود به چه میزان این سرمایه‌گذاری انجام شده و آیا این بهترین راه برای فرهنگ‌سازی بوده است یا نه؟ به‌ویژه با شتابی که مسافران در ازدحام واگن‌ها و سالن‌های مترو دارند، این قصه قابل تأمل‌تر می‌شود. راستی واژه‌ای به‌نام تئاتر پنهان را پیشتر شما شنیده بودید؟

۷ عکس‌نگاری مشارکتی

شما خوانندگرامی می‌توانید بر اساس عکس چاپ شده در این بخش و بر مبنای اطلاعات مندرج روی عکس، هرگونه توضیح، ترجمه و خاطره‌ای را برای ما ارسال کنید. ماه دیگر در همین روز و با همین شماره، این عکس مجددا منتشر و مطالب ارسالی شما به همراه آن چاپ خواهد شد. ایمیل: khanevadeh.shahrvand@gmail.com

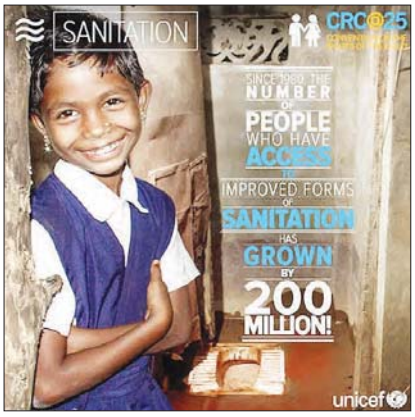

هنگامی که زنان و دختران حق دسترسی به توالت خصوصی را نداشته باشند، آنها اغلب در معرض خطر آزار و اذیت جنسی و تجاوز به عنف قرار می‌گیرند.

نگاه ویژه

طرح خرید سربازی و چهار دلیل

جبران کسری بودجه، جایگزین تنبیه رفع بلاتکلیفی و تحقق عدالت اجتماعی

اسما روانخواه
پژوهشگر اجتماعی

طرحی در قالب لایحه بودجه توسط دولت به مجلس ارایه می‌شود و هنوز تنور آن گرم نشده، برداشت‌ها از کم و کیف اجرای آن شروع می‌شود و از این میان دغدغه‌هایی نیز سرباز می‌کند. دولت در لایحه بودجه سال ۹۴، پیشنهاد پرداخت جریمه نقدی (یا خرید) سربازی را برای آن دسته از مشمولانی که مدت ۱۰سال از غیبت‌شان می‌گذرد مطرح کرده است (در بند «ط» تبصره ۱۶ بودجه آمده است: به دولت اجازه داده می‌شود تا تمام مشمولان خدمت وظیفه عمومی که بیش از ۱۰سال غیبت دارند با پرداخت جریمه مدت زمان غیبت، معاف کند) طرحی که به این مشمولان اجازه می‌دهد با پرداخت مبلغ ۲۰ تا ۵میلیون تومان جریمه نقدی، تکلیف نظام‌وظیفه خود را روشن کنند. در اجرای هر طرح و سیاستی، ابتدا باید ذینفعان آن طرح مشخص شوند و بعد کنکاش صورت گیرد که آیا این طرح به نفع گروه هدف خواهد بود یا خیر. این طرح قرار است برای چه کسانی باشد؟ دولت؟ نیروهای مسلح با یک‌میلیون و ۵۰۰هزار مشمول غایب؟ افرادی که به دلایلی نظیر تحصیل، خروج از ایران یا مشکلات خانوادگی نتوانسته‌اند انجام وظیفه کنند؟

آنچه که از طرف دولت به مجلس ارایه شده، در صورت رأی‌آوری در مجلس و شورای نگهبان، قرار است به مدت یک‌سال اجرا شود و آن هم در سال ۹۴ و اگر بنا بر شنیده‌ها از سوی مقامات دولتی توضیحی در این باره داده نشده است) دولت با اجرای این طرح می‌خواهد قسمتی از کسری بودجه خود را تأمین کند. دلگرمی به طرح‌های کوتاه‌مدت اینچنینی راحل مناسبی است؟ (تمام درآمدهای حاصل از اعطای معافیت‌های مشمولان مذکور به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و تا سقف ۱۰هزار میلیارد ریال آن بابت تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح براساس موافقتنامه متبادله با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هزینه خواهد شد. آیین‌نامه اجرایی این بند مشتمل بر تعرفه‌های گروه‌های مختلف تحصیلی و مدت زمان غیبت به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به تصویب هیأت‌وزیران خواهد رسید.)

اما اگر این طرح قرار است تنبیهی باشد از سوی نیروهای مسلح برای غایبان ۱۰سال و بالاتر، آیا روش درستی است؟ تنبیهی جایگزین مواردی همچون: ممانعت از ادامه تحصیل، عدم اشتغال در بخش‌های دولتی، نداشتن گواهینامه و گذرنامه؟ آنچنان که سردار موسی کمالی جانشین اداره منابع انسانی هدف این طرح را اجرای عدالت عنوان کرده است و اشاره می‌کند که باید یک‌میلیون و ۵۰۰هزار نفر از مشمولان غایب (۲۷ تا ۵۰سال!) تکلیف نظام‌وظیفه خود را که انجام نداده‌اند، روشن کنند... و اگر این اتفاق نیفتد، این افراد در سال ۹۴ با محرومیت‌های اجتماعی جدی‌تر روبه‌رو خواهند بود.

بنابراین بحث خرید و فروش خدمت نظام‌وظیفه مطرح نیست، عنوانی که این روزها تیتر بسیاری از منابع خبری شده، انتخابی است میان دو نوع تنبیه: یا می‌توانی جریمه نقدی پرداخت کنی، یا باید مصائب نرفتن به خدمت ۲سال‌ه را از ۲۰ سالگی تا ۵۰ سالگی به دوش بکشی! (و این سوال بماند برای بعد که این میزان مجازات و آسیب‌هایی که بر جامی گذارد متناسب با جرمی است که مرتکب شده‌اند؟) و اساسی هم وجود ندارد... و عدالت و عدالت اجتماعی که بنا بر گفته سردار موسی کمالی با اجرای این طرح محقق می‌شود، جامعه را به سمت برابر شدن پیش خواهد برد؟

البته شاید هم این طرح، فرصتی باشد برای مشمولان غایبی که بعد از ۱۰سال می‌خواهند روی آرامش را ببینند، مشمولانی که ممکن است همین حالا هم در خارج از کشور به تحصیل یا... مشغول باشند یا داخل کشور تشکیل خانواده داده باشند و دیگر امکان رفتن به سربازی را ندارند و شاید هم، این طرح قرار است از نوعی بلاتکلیفی (بنابر تعبیر سردار کمالی) که قرار است تا ۵۰سالگی همراهشان باشد، نجاتشان دهد.

این طرح که بناست جبران کسری بودجه کند یا ایجاد عدالت کند یا یک‌میلیون و ۵۰۰هزار مشمول غایب را از بلاتکلیفی نجات دهد یا تنبیهی باشد برای این افراد، هنوز راهی جلسات بهارستان و شورای نگهبان نشده اما دغدغه‌هایی که سرباز کرده است می‌تواند راهگشای اجرای مناسب‌تر این طرح شود.

جالب آن است که بدانید بررسی خدمت سربازی در دیگر کشورها، آمارهای جالب و قابل تأملی را به ما می‌دهد، یک مطالعه و بررسی علمی انجام شده درخصوص خدمت نظام وظیفه در ۱۹۷ کشور جهان می‌گوید: در ۱۱۲ کشور جهان (۵۷درصد کشورهای مورد مطالعه) اساسا سربازی اجباری وجود ندارد. ۲۸ کشور سربازی اجباری یک‌سال و کمتر، ۲۰ کشور سربازی اجباری ۱۸ ماه یا بیشتر و غیرانتخابی همراه با بکارگیری در امور عملیاتی نظامی دارند. همچنین ۱۴ کشور سربازی انتخابی، ۱۵ کشور از ترکیب نیروهای داوطلب و اجباری و بالاخره ۸ کشور صرفا در امور مدنی یا به‌صورت نظامی غیرمسلح از نیروی سربازاستفاده‌می‌کنند.

مهم‌ترین انتقاد منتقدان به خدمت سربازی «اجباری» بودن آن است. منتقدان خدمت سربازی دلایل دیگری مانند طولانی بودن زمان خدمت سربازی، عدم پرداخت دستمزد متناسب با این دوره، وجود تبعیض، ایجاد مشکلاتی در اشتغال، تحصیل و ازدواج را از دلایل مخالفت و انتقاد خود نسبت به خدمت سربازی عنوان می‌کنند. اما حالا می‌شود آن اجبار را خرید!